

رای مردم سرنگونی حکومت است!

زنده باد انقلاب!



انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۵۶

شنبه، ۳ اسفند ۱۳۹۸، ۲۲ فوریه ۲۰۲۰

نمایش انتخاباتی حکومت با شکستی مفتضحانه به پایان رسید

امروز دهها میلیون نفر از شرکت در نمایش انتخابات حکومت اسلامی خودداری کردند و یک نه بزرگ به حاکمین جنایتکار گفتند و این روز را هم به یکی از روزهای پیشروی خود علیه حکومت تبدیل کردند. دوره دوره مردم است. یوم الله های حکومتی هم به روزهای مردم تبدیل شده است. ده روز قبل، روز ۲۲ بهمن، که بنا بود نمایش قدرت حکومت و روز "فجرش" باشد به روز ناکامی شان تبدیل شد. امروز انتخابات مجلس دزدان اسلامی نیز به شکستی خفت بار برای حکومتیان انجامید. دهها میلیون نفر با شرکت نکردن در این نمایش انتخاباتی خشم و انزجارشان را نه فقط علیه این نمایش بلکه علیه کل حکومت اعلام کردند و با صدایی رسا گفتند که رایمان را در آبان داده ایم. اعلام کردند که امرمردم نه انتخابات کذایی حکومت بلکه سرنگونی کل نظام جمهوری اسلامی است. دهن کجی امروز مردم به حکومت، رای قاطعی به انقلاب بود. انقلابی برای خلاصی از شر حکومت کثیف اسلامی، انقلابی برای آزادی و رفاه و عدالت.

مردم در سراسر کشور از چند روز قبل شروع به آتش زدن پوسته های انتخاباتی و پایین کشیدن بنرهای حکومتیان کردند. میتینگ های تبلیغاتی کاندیدهای مجلس را بهم زدند و آنها را هو کردند. فضا چنان اعتراضی بود که کاندیدها روحیه ای برای تبلیغ خود نداشتند. تعدادی از آنها از کاندیداتوری انصراف دادند و تعدادی از آنها از مساجد و اماکنی که برای تبلیغ سازمان داده بودند با اردنگی بیرون انداخته شدند. حکومت انواع تقلبات را برای بالا بردن تعداد آرا سازمان داد. اعلام کردند که اثر انگشت رای دهندگان در برخی استانها اختیاری است و سپس گفتند شناسنامه عکس دار هم لازم نیست. زمان رای گیری را چهار ساعت تمدید کردند و اتوبوس دور شهرها چرخاندند تا مردم را به رای دادن تشویق کنند. انواع تمهیدات دیگر را هم انجام دادند. علیرغم همه اینها سخنگوی "ستاد انتخابات کل کشور" در ساعت ۶ عصر که آخرین مهلت اعلام شده رای گیری بود تعداد رای دهندگان را ۹ میلیون یعنی ۱۵ و نیم درصد واجدین رای اعلام کرد و وزیر اطلاعات گفت امیدواریم با حضور مردم در ساعات آخر رای گیری، آمار شرکت کنندگان به نرم قابل قبولی برسد! اما نرسید. الان مقامات حکومت مانده اند که چگونه آمار شکست خود را اعلام کنند.

صفحه ۱۰

نامه کمیته بین المللی علیه اعدام به افکار عمومی صفحه ۱۰
بین المللی، به اتحادیه اروپا و نهادهای مخالف اعدام

حکومت اسلامی از انتخابات اش هم میترسد! صفحه ۲
محسن ابراهیمی

انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی صفحه ۴
حسن صالحی

پاسخ مینا احدی صفحه ۶
به نامه سرگشاده شیرین عبادی به نسل جدید

ما داد از ستمگران خواهیم ستاند صفحه ۵
حسن صالحی

جنایتکار سرگردان! صفحه ۹
محسن ابراهیمی

خروج دو غول دیگر از ایران! صفحه ۹
میلاذ رابعی

اطلاعیه های حزب

ص ۷ و ۸

رای مردم سرنگونی حکومت است!

هشت مارس، روز جهانی زن در ایران:

حکومت ضد زن نابود باید گردد!

دانشجویان امیر کبیر با فریاد اعتراض یاد قربانیان حکومت را گرامی داشتند

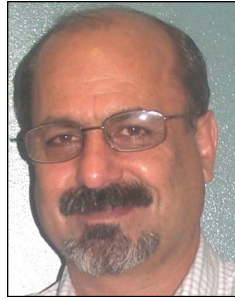
احکام زندان برای اعضای کانون نویسندگان را محکوم میکنیم

و چند خبر از اعتراضات کارگری

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حکومت اسلامی از انتخابات اش هم میترسد!

محسن ابراهیمی



انتخابات در جمهوری اسلامی همیشه مضحکه بوده است. اما جمهوری اسلامی از همین مضحکه برای دوام عمر خودش سود برده است. این بار اما فرق میکند. بعد از دو قیام دی ۹۶ و آبان ۹۸، بعد از قتل عام موشکی مسافران هواپیما و انفجار خشم میلیونی دیماه دیگر هیچ چیز به هیچ معنا شبیه گذشته نیست. مردمی که فقط در آبان همین سال هزاران کشته و مجروح و اسیر داده اند؛ مردمی که هنوز در شوک و اندوه قتل عام مسافران هواپیما بسر میبرند؛ از هر اتفاقی برای پایان دادن به حیات حکومت اسلامی استفاده میکنند. نمایش انتخاباتی فردا دوم اسفند هم باید یکی از این اتفاقات باشد.

نگرانی در تمام سخنان و حرکات و سکنتات سران حکومت داد میزند. از همین الان دست به کار شده اند تا نیروهای سرکوب ملیس به لباس شخصی و ابواب جمعی آقازاده های اسلامی را در چند

جا هم که شده جمع کنند و فیلم بگیرند و بی آبرویی سیاسی و منفور و منزوی بودنشان در میان مردم را پنهان کنند.

اما به هر ترفندی متوسل بشوند، همین حالا، فضای اعتراضی بسیار بالاست. رهبران کارگری، دانشجویان، زندانیان سیاسی، محافل هنری، خانواده های داغدار، میلیونها انسانی که حکومت اسلامی را مسبب ۴۱ سال جنایت میدانند، نمیخواهند به این حکومت امکان بدهند در میان دریایی از خون با شعبده بازی انتخاباتی برای مردم شکلک در بیاورد. مردم آنچنان از این حکومت و نمایشات سیاسی متنفرد که خشم و انزجارشان را حتی علیه هر کسی که به هر دلیلی انگشتش را به جوهر خونین "انتخابات" آلوده کند اعلام میکنند.

بیانیه دوازده زن زندانی، فریادی از درون زندان است اما انگار ندایی از درون پر از خشم و انزجار اکثریت مردم است: "برماست که انتخاباتشان را

جامعه يك گام ديگر به جلو برداشته است. ديگر فقط بسجيها و دار و دسته دستگاہ سياسي و انتظامي و امنيتي حکومت را دشمن تلقی نمیکنند. مردم با هر کسی که به هر نحوی - آگاهانه یا نا آگاهانه - به بقای رژیم کمک کنند خصومت دارند. قطب انقلاب برای سرنگونی بیش از پیش نیرو گرفته است.

مصرف سياسي "انتخابات" در جمهوری اسلامی؟

جدا از نمایش انتخاباتی برای تقسیم سهم میان باندهای درون حکومت و اسمش را دمکراسی انتخاباتی گذاشتن، "انتخابات" در جمهوری اسلامی همیشه عنصر مهمی در استراتژی بقا بوده است. مصرف و کارکرد اصلی داخلش امیدوار نگه داشتن مردم به امکان تغییر و اصلاح شرایط توسط جناحی از خود حکومت و نهایتا به عقب انداختن نبرد نهایی میان مردم و حکومت بوده است. مصرف جهانش، چهره سازی قلابی از حکومت در افکار جهانی، در میان نهادهای بین المللی و دولتها و نهایتا گریز از انزواي بیشتر بوده است.

امروز، هر دو کارکرد داخلی و جهانی انتخابات در هم شکسته است.

کارکرد داخلی:

انتخاباتی که قرار است برای رژیم عمر بخرد، این بار محرک خشم و نفرت بیشتر علیه حکومت، محرک همبستگی بیشتر برای سرنگونی شده است. این مهمترین تغییر است. همه حکومتهای رو به موت

دو کارت اصلی برای بازی با جامعه بپاخاسته و عقب انداختن مرگشان دارند: کارت خونین سرکوب و کارت چرکین اصلاحات. جالب است که این حکومتها معمولا مجبور میشوند هر دو کارت را باهم و به موازات هم رو کنند و باهم بسوزانند.

کارت خونین سرکوب، کارت چرکین اصلاحات و انتخابات! جمهوری اسلامی کارت خونینش را به ویژه در دو دوره بیشتر رو کرده است. بار اول برای تثبیت حکومت. بار دوم برای نجات حکومت. بار اول برای محکم کردن ارکان حکومت. بار دوم برای جلوگیری از فروپاشی این ارکان. بار اول دهه خونین شصت بود که ابزار اصلی تثبیتش شد. بار دوم امروز است که دیگر کار نمیکنند. اگر بار اول جنایت کرد و تثبیت شد، این بار جنایت میکنند و متزلزلتر میشود. سرکوب به ضد خودش تبدیل شده است.

آبان و دی همین امسال نمونه برجسته ای از سوخته شدن کارت سرکوب رژیم بود. دیدیم که چگونه جوانان جان به لب رسیده در مقابل توحش حکومت اسلامی کوتاه نیامدند و جسورانه به سمبلهای اقتصادی، سیاسی و مذهبی حکومت حمله کردند. چگونه در مقابل نیروهای سرکوب سنگر بستند و به مقابله برخاستند.

تناقض حکومت اسلامی در این است که می بیند سرکوبش اثر ندارد، اما نمیتواند از آن دست بکشد. تناقضش در این است که هر چقدر این کارت را بیشتر روی زمین میزند، همانقدر بیشتر میسوزاند. زیر پای خودش را خالیتر و دره میان خود و مردم را عمیقتر میکند. دره ای که هیچ پلی، مطلقا هیچ پلی نمی تواند دو طرفش را به هم وصل کند. دره ای که فقط میتواند با لاشه خود حکومت اسلامی پر شود.

حتی در متن خیزش ۸۸ هم که به بهانه انتخابات آغاز شد، کارت اصلاحات و انتخابات بسرعت سوزانده شد. مردم بسرعت از "اصلاحات و انتخابات" عبور کردند و "رای من کو" در میان طنین شعار "موسوی بهانه است، کل رژیم

ادامه از صفحه قبل

حکومت اسلامی از انتخابات اش ..

نشانه است" خاموش شد. در قیام ۹۶ با شعار "اصلاح طلب اصولگرا، دیدگه تمامه ماجرا"، کارت چرکین "اصلاحات و انتخابات" تماما سوخت و دود شد و به هوا رفت و پایان قطعی دوره بازی با این کارت اعلام شد.

کارکرد جهانی:

یک هدف مهم رژیم از "انتخابات" رنگ آمیزی لاشخور اسلامی و فروختنش به افکار جهانی بوده است. این کارت هم با قتل عام موشکی شهروندان مسافر با موشک سپاه، دروغگویی هماهنگ و شنیع همه سران حکومت از اصولگرا تا اصلاح طلب و بازی درآوردهای مضحکشان در باره جعبه سیاه سوخت. با این اتفاق دست روحانی و ظریف آنچنان بسته شد که با شامورتی بازی درآوردن نمیتوانند براحتی جمهوری اسلامی خون و جنایت و دروغ و دغل را به افکار عمومی مردم انساندوست بیاندازند! و وقتی دست حکومت در میان مردم جهان رو میشود، آنگاه زیر فشار افکار عمومی حتی دست دولتها و نهادهای بین المللی برای مماشات با این حکومت بسته تر میشود.

چاپلوسی قاتلان در باره "کشور عزیز"!

هیچ چیز به اندازه سخنان سرشار از نگرانی و حقارت سران هر دو جناح رژیم نشان دهنده این حقیقت نیست که کارتهایشان تماما سوخته است و باید راهی برای نجات از دست کارگران، زنان و جوانان و اکثریت مردمی پیدا کنند که مساله شان با حکومت اسلامی این است که اینها دشمنان قسم خورده هر درجه آزادی، هر درجه برابری و هر درجه انسانیت هستند. که حکومتشان را باید نابود کرد، خودشان را باید محاکمه کرد و این فقط اولین

قدم - و البته مهمترین قدم - رسیدن به زندگی انسانی است.

در آستانه "انتخابات" فردا، سران هر دو جناح که خوب میدانند کارت "اصلاحات و انتخابات" سوخته و خاکستر شده است به استغاثه و التماس و پاپوسی و چاپلوسی در مقابل مردم پناه برده اند تا شاید شاید فرجی حاصل شود. خامنه ای که که هنوز پوزه اش از کشتار آبان خونین است در حضور گله هایش گفت:

"ممکنه یکی از شخص این حقیر خوشش نیاید. خوب نیاید. عیب ندارد. ایران را دوست دارد. کشورش را دوست دارد یا نه؟ باید در انتخابات شرکت کند." "اگر کسی انگیزه دینی و انقلابی "هم" ندارد، اما، میهن عزیز را دوست دارد لازم است به پای صندوق های رأی بیاید"

واقعا کسی در میان اتاق فکرهای جمهوری اسلامی نیست که به این "رهبر الدنگ" حالی کند که احمق اگر کسی از تو حقیر خوشش نیاید که سکاندار این حکومت هستی چرا باید در انتخاباتی شرکت کند که هدفش عمر خریدن به جمهوری اسلامی است؟ اگر کسی انگیزه دینی ندارد چرا باید پای انتخابات حکومت دینی برود که اسلام عمود خیمه خونین و کثیفش است؟

باضافه، چرا نایب امام زمان که قرار بود اسلام و اسلامیت را حراست کند به "ایران و ایرانیت" پناه برده است؟ پاسخ روشن است. چند ماه پیش دفاتر امام جمعه ها و نمایندگان ولی فقیه در آتش خشم و نفرت مردم سوخت و خاکستر شد و حتما ولی فقیه ویدیوها را دیده است. درست است که مردم او را "رهبر الدنگ" صدا میکنند، اما هر چقدر هم الدنگ باشد به چشمهایش که باور دارد!

اما واقعا پناه بردن به ایرانیت فرجی حاصل خواهد کرد؟ پاسخ قطعا منفی است. مردم مخاطب خامنه ای

همانهایی هستند که با شعار مشهور "دروغ میگویند آمریکاست، دشمن ما همینجاست" علنا اعلام کرده اند که میلیاردهای حاکم اسلامی را مسئول مستقیم تباهی زندگیشان در این "میهن عزیز" میشناسند. همان مردمی هستند که پشت به نماز جمعه ایستادند و شعار دادند "پشت به دشمن رو به میهن!"

این مردم وقتی "کشور و میهن عزیز" را از دهان این جانیها میشنوند فوراً سؤال میکنند: کدام کشور؟ کدام میهن؟ میهنی که در آن جمهوری اسلامی ۴۱ سال است به همه جلوه های آزادی و برابری و انسانیت تعرض میکند؟ میهنی که در آن کارگران به فقر مطلق رانده شده اند و وقتی اعتراض میکنند به شلاق و زندان محکوم میشوند؟

میهنی که در آن زنان نه تنها جنس دوم بلکه اصولاً انسان محسوب نمیشوند؟ میهنی که زندگی نسلیهای از جوانانش توسط فسیلهای اسلامی نابود شده است و از هر چه دین و مذهب و اسلام و شریعت بیزارند؟ میهنی که خاکش، دریا و دریاچه اش، زمین و جنگلش، رود و رودخانه و آبش، همه منابعمش دارد توسط یک مشت میلیاردر اسلامی چپاول میشود؟

نخیر! این حقه بازی نمیگیرد. چاپلوسی به نام "میهن عزیز" خطاب به این مردم، آنهم توسط مسئولین اصلی نابودی همه جلوه های زندگی انسانی، آب در هاون کوبیدن است.

التماس قاتلان برای "آشتی ملی"!

"بیایید این مشکلات یک هفته و ۱۰ روز را مقدمه کنیم و این غم و مشکلات بزرگ را به یک تصمیم بزرگ تبدیل کنیم. ... آن تصمیم بزرگ، آشتی ملی است. بیایید همه با هم آشتی کنیم. کینهها را از دل برداریم، این انتخابات، ۲۲

بهمن قدم و روزهای آینده قدم اول این حرکت باشد".

درست حدس زده اید. این استغاثه ها و التماسها برای "آشتی ملی" متعلق به حس روحانی، این امنیتی کهنه کار است که آمده بود با "منشور حقوق شهروندی" برای حکومتشان عمر بخرد. متعلق به رئیس جمهور اسلامی حکومتی است که در پایمال کردن هر چه شهروند و حقوق شهروندی است رکورد شکسته است. این همان کسی است که در آبان، همراه با ولی فقیه بنزین را یک شبه سه برابر کرد، به قتل عام معترضین دست زد و با وقاحت کم نظیری چشم در چشم مردم دوخت و به مردم نیشخند زد که "من هم مثل شما صبح جمعه، هه هه هه، دیدم قیمت تغییر کرده" و منفورتر و منفورتر شد.

میتوان تصور کرد با دیدن این در جه وقاحت چه احساسی به خانواده های کشتار آبان، کشتار هواپیما و میلیونها خانواده ای که در دهه شصت و در چهل و یک سال جنایت سازمانیافته عزیزانشان را از دست داده اند، شادی و حرمت و انسانیتشان مورد تعرض قرار گرفته دست میدهد!

انتخابات و "خطر" انقلاب! در میان نگرانیهای سران حکومت از بی رونق بودن شعبیده انتخاباتی، حسن روحانی به سران حکومتشان هشدار داد: "اگر رژیم گذشته تن می داد به یک انتخابات سالم، آزاد و ملی، انقلابی نمیشد!"

آیا این يك گلایه از قلع و قمع همقطاران روحانی توسط شورای نگهبان خامنه ای با نشان دادن خطر انقلاب است؟ آیا این يك خودفریبی است که اگر شورای نگهبان سوراخ قیفش را گشادتر کند و به دزدان و قاتلانی از جناح روحانی میدان بیشتری بدهد خطر انقلاب رفع میشود؟ شاید اسلامی هر هدفی از این هشدار داشته باشد، هر توهمی در باره نقش بعدی جناح خودش در عقب انداختن انقلاب مردم داشته باشد، کسی در باره منظورش از "انتخابات سالم و آزاد" توهمی ندارد. سران این حکومت بیشتر از همه میدانند که انتخابات آزاد و سالم با جمهوری اسلامی تناقض بنیادی دارد. جمهوری اسلامی نمیتواند انتخابات آزاد داشته باشد به این دلیل ساده که مردم انتخابشان را در خیابانها با شعار "جمهوری اسلامی نمیخواهیم، نمیخواهیم" اعلام کرده اند. مگر میتوان به مردمی که در مقابل مسلسل و سرنیزه با پای خود در خیابانها به رفتن این حکومت رای داده اند، آزادی داد تا انتخاب کنند؟

آری، انقلاب در کمین حکومت اسلامی است. و آزادی واقعی تنها زمانی ممکن خواهد شد که با یک جنبش انقلابی، با انقلابی سراسری، لاشه جمهوری اسلامی مدفون شود و نظام سراپا نابرابر، سراسر بردگی و بندگی و اسارت سرمایه داری پایان یابد. *



انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی

حسن صالحی



چه دی باشه چه آبان، پیام یکی است، انقلاب!

این بحث‌ها البته دو سال بعد از آن تغییر پیدا کردند و گره خوردن انقلاب و سرنگونی با توجه به پیشرفت جنبش سرنگونی و زمینه‌های شکل‌گیری یک انقلاب بزرگ در ایران به نفع انقلاب قبل از سرنگونی جمهوری اسلامی تقریباً کنار رفت.

حزب کمونیست کارگری ایران هیچوقت احتمال سرنگونی جمهوری اسلامی در یک روند غیر انقلابی را نادیده نگرفته است ولی آنرا کمتر محتمل می‌داند. من نگرانی دوستان و رفقای که بر آمادگی حزب کمونیست کارگری در قبال سناریوهای متفاوت تاکید دارند را کاملاً می‌فهمم. به قول حمید تقوایی:

"روشن است که در روند سرنگونی جمهوری اسلامی انواع نیروهای ارتجاعی، از بخشها و جناحهایی از خود رژیم گرفته تا نیروهای ارتجاعی مذهبی و قومی در اپوزیسیون و تا دولتهای منطقه

دیر زمانی است که حزب کمونیست کارگری ایران از گسترش جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی و تبدیل آن به یک برآمد انقلابی بعنوان مطلوبترین و محتملترین راه سرنگونی جمهوری اسلامی سخن می‌گوید. نیروهای انقلابی در این شکی ندارند که انقلاب مطلوبترین راه سرنگونی جمهوری اسلامی است چرا که این پروسه ای است که رادیکالتر و عمیقتر در جامعه ریشه می‌دواند و زمینه مساعدی را برای قدرت‌گیری نیروهای چپ و رادیکال فراهم می‌کند. در اتفاقات دیگر نظیر کودتا و ضد کودتا، بند و بست از بالا و یا اقدامات توطئه‌گرانه که معمولاً بستر به قدرت رسیدن جریان‌های راست هستند، نیروهای چپ شانس زیادی برای گرفتن قدرت سیاسی ندارند.

با اینحال اتفاق نظر در این مورد هنوز به معنای این نیست که همه نیروهای چپ و

جوانان، مالیخاستگان، خانواده‌های جانباختگان و زندانیان سیاسی، طرفداران محیط زیست و ... را در جغرافیایی به بزرگی ایران شامل می‌شود. اشکال بروز این جنبش در مبارزه برای آزادی زن، علیه مذهب و سلطه قوانین و اخلاقیات مذهبی بر جامعه، علیه مجازات اعدام و کل قصاص و سیستم قضائی قرون وسطائی اسلامی، علیه بیکاری و گرانی و حقوقهای نجومی و فلاکت عمومی، علیه تخریب محیط زیست و غیره بوده است. خود این عرصه‌های مبارزاتی کیفیت حاکم بر جنبش سرنگونی را روشن می‌سازد. این جنبش در هر قدم که به جلو آمده است چه در طرح مطالبات انسانی و وحدت بخش و چه در اشکال مبارزاتی و بسیج کننده که اتخاذ کرده است رادیکال و عمیق تر شده است. در این میان جنبش کارگری با شعار اداره شورایی و اعمال اراده مستقیم کارگران و مردم در اداره امور جامعه به مرکز ثقل جنبش سرنگونی تبدیل شده است.

مراحل و نقطه عطف‌هایی که جنبش سرنگونی پشت سر گذاشته است مبین پیشرفتی در مسیر چپ و رادیکال بوده است. اگر خیزش عمومی مردم در سالهای ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸ از شکافهای درون حکومت بهره می‌برد تا عرض اندام کند، در اعتراضات دیماه ۱۳۹۶ بر پاهای استوار خود ایستاد و به همه جناحهای حکومت اسلامی نه گفت و مستقیماً علیه آنها قد علم کرد. در خیزش انقلابی آبان ۱۳۹۸ جنبش سرنگونی به طور تعرضی و قیام وار وارد صحنه شد و نمادهای حاکمیت سرمایه داری در ایران از بانکها گرفته و ارگانهای سرکوب و تحمیق حکومت را مورد حمله قرار داد. این حرکتی علیه کل نظام حاکم بر ایران و تحولی کیفی و

ادامه صفحه ۵

و دول غربی، فعال خواهند شد و تلاش خواهند کرد بر سیر تحولات به نفع خود تاثیر بگذارند. این تصور که حتی در بهترین حالت، یعنی شکل‌گیری یک انقلاب اجتماعی قدرتمند علیه جمهوری اسلامی، نیروهای ارتجاعی و ضدانقلاب صرفاً نظاره‌گر خواهند بود توهم خوش خیالانه‌ای بیش نیست. بنابراین حزبی مثل حزب ما که استراتژی سرنگونی جمهوری اسلامی بقدرت انقلابی مردم را دنبال میکند باید در سیاستها و فعالیتهای خود این واقعیت را در نظر بگیرد و جامعه، طبقه کارگر و توده مردم انقلابی را برای مقابله نه تنها با جمهوری اسلامی بلکه با کلیه نیروهای ضد انقلابی که تلاش خواهند کرد سیاستها و منافع ارتجاعی خود را به پیش ببرند آماده کند. این آماده‌سازی از طرف هشدار دادن فراتر می‌رود و مجموعه‌ای از فعالیتهای تبلیغی، آگاهگری، سازماندهی و فعالیتهای کمپینی و عملی علیه کل نیروهای کمپ ارتجاع و ضد انقلاب را در بر می‌گیرد. یک رکن مهم این وظایف اشاعه نقد رادیکال و ریشه‌ای خود جمهوری اسلامی و شکل دادن به یک جنبش سرنگونی است که نقد و اعتراض عمیقی بر کل نظام موجود بعنوان نظام حافظ منافع کل طبقه سرمایه دار داشته باشد." (مصاحبه حسن صالحی با حمید تقوایی: مخاطرات احتمالی در جریان سرنگونی جمهوری اسلامی، ۶ ژانویه ۲۰۱۶)

ما داد از ستمگران خواهیم ستاند

حسن صالحی



هایی" را بر جای بگذارند (طرح و نقاشی، صدا، عکس، دست‌نوشته، قطعات موسیقی و یا پیامی شفاهی و غیره) تا سپس از این خشت های مجازی در ساختن خشت‌های واقعی در بنای یادمانی در کانادا استفاده شود.

سایه جنایت هولناک جمهوری در سرنگونی پرواز ۷۵۲ بر کنفرانس امنیتی مونیخ نیز سنگینی میکرد. دیپلمات های پنج کشوری که شهروندان آنها در ساقط شدن هواپیمای اوکراینی توسط جمهوری اسلامی جان باخته اند روز شنبه برابر ۲۶ بهمن ۱۳۹۸ بر وزیر خارجه حکومت

اعتراض کردند.

همچنین در مراسمی که در کانادا و در یادبود شکست فاشتی و راستین مقدم برگزار شد شاهین مقدم و حامد اسماعیلیون با ایراد سخنرانی های پر احساس از دادخواهی و کشاندن عاملین این جنایت و از جمله خامنه ای بعنوان فرمانده کل قوا به پای میز عدالت و محاکمه و به سرانجام رساندن این دادخواهی سخن گفتند. همزمان با چهلمین روز جان باختن سرنشینان پرواز ۷۵۲ وب سایتی شروع بکار کرد با نام "یادمان پرواز PS752" تا همگان بتوانند بر یک دیوار مجازی به یاد آن عزیزان "خشت

به مناسبت چهلمین روز فاجعه سرنگونی پرواز ۷۵۲ با دو موشک سپاه پاسداران به یاد قربانیان این جنایت فجیع و هولناک جمهوری اسلامی، گردهمایی هایی برگزار شد. دانشجویان در چند دانشگاه ایران و از جمله امیر کبیر، صنعتی شریف، علامه و دانشگاه بوعلی سینا در همدان به یاد ۱۷۶ قربانیان این قتل عام دامه تجمعاتی را برگزار کردند. دانشجویان با شعار "غلط کردی خطا کردی"، "خطای انسانی تویی شلیک پنهانی تویی" و "سه روز که نه چهل سال، دروغ ستم ابتدال" به جنایت قاتلان حاکم بر کشور

دادگاه بین المللی بکشاندند. از همین رو جمهوری اسلامی تلاش دارد که از ارسال پرونده سرنگونی هواپیمای اوکراینی به دادگاه بین المللی جلوگیری کند. حکومت اسلامی سعی دارد با طرح "جبران خسارت زیان دیدگان، رفتار مساوی و کمک به آنها" و همچنین رسیدن توافقاتی با کشورهای درگیر، این مسئله را فیصله دهد. غافل از این اینکه درد و مشکل اصلی خانواده های بازماندگان این جنات هولناک نه غرامت بلکه دادخواهی و محاکمه عاملین این قتل عامدانه در یک دادگاه بین المللی است. خانواده ها برای تحقق این خواست و زنده نگاه داشتن یاد کسانی که به خاطر آن جنایت هولناک دستشان از زندگی کوتاه شد، مبادرت به تشکیل انجمنی بنام "خانواده های قربانیان پرواز PS752" کرده اند و این انجمن هم اکنون با نمایندگی کردن ۸۰ نفر که تعداد آن در حال افزایش است در کانادا به ثبت رسیده است. خانواده ها در پی این هستند که با حمایت مردم در ایران و جهان بتوانند دادخواهی PS752 را به سرانجام رسانند و ستمگران و جانیانی را که این جنایت فجیع را مرتکب شدند "با خفت و شرم و زاری به پای میز عدالت بکشاندند."

*

ادامه از صفحه ۵

انقلاب و سرنگونی

جهش وار در جنبش سرنگونی بود.

بر مبنای این ارزیابی که اینجا مختصراً بدان اشاره شده حزب ما چشم انداز سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی را بسیار محتمل تر می داند و مجدانه برای تحقق آن تلاش می کند. بحث هایی که سعی دارد با رجوع به گذشته و تکرار ملال آور ارزیابی هایی که به دوره معین و شرایط مشخصی تعلق داشته اند ما را از تحقق فوری این هدف انقلابی دور کند از نظر من فاقد کمترین ارزش نظری و تئوریک است و از

اعتراضشان عمیق تر و ریشه ای تر و خواستهایشان شفاف تر و متعین تر و رادیکال تر باشد بهمان نسبت میدان برای دخالتگری و نفوذ جریانات و نیروهای ضد انقلاب محدود تر و تنگ تر خواهد بود. این ویژگیها با انقلاب زاده نمیشود بلکه باید از قبل جامعه را در جهت شکلگیری یک انقلاب قدرتمند و سازمانیافته با خصوصیتی که بر شمرده آماده کرد و سازمان داد و اینجا نیروهای انقلابی مثل حزب ما نقش تعیین کننده ای ایفا میکنند. در جامعه ای که اعتراضات و مبارزات گسترده کارگری، جنبش رهایی زن علیه آپارتاید و تبعیضات جنسی،

تری در سطح جامعه مطرح شده باشند، انقلابی که شکل خواهد گرفت قدرتمندتر و در برابر مخاطراتی که نیروهای ارتجاعی قومی - مذهبی و یا دولتهای غربی و محلی میتوانند ایجاد کنند مصون تر خواهد بود. در ایران این جنبشها وجود دارند و یک وظیفه اساسی حزب ما تقویت و سازمان دادن و خودآگاه کردن و رایکالیزه و متعین کردن هر چه بیشتر این جنبشهای اجتماعی است." (همان منبع قبلی) *

پاسخ مینا احدی به نامه سرگشاده شیرین عبادی به نسل جدید



سیم آخر زد یا نه. من در مقاله و سخنرانی خود نوشته بودم زنان در ایران باید به سیم آخر بزنند. عبادی در مورد بالا بردن سن ازدواج در ایران از نه سال به ۱۳ سال حرف زد. این گوشه ای از جدلی بود که در "جنبش زنان" در جریان بود. اما درگیری من با عبادی به اینها خلاصه نمیشود.

وقتی در سال ۲۰۱۰ کمپین جهانی نجات سکینه محمدی آشتیانی از سنگسار میرفت که حکومت را به زانو در آورد، عبادی فرمود، با فوکوس کردن روی یک کیس، بقیه زندانیان را فراموش میکنیم. و تلویحا فرمود شاید این طرح وزارت اطلاعات باشد! این حرف را در مورد کمپین نجات شهلا جاهد نیز گفت. ایشان فرمودند، سکینه و شهلا جاهد هنجارهای اجتماعی را شکسته اند و ایشان در کنار هنجارها می ایستند. بله! ما در مورد کسی حرف میزنیم که قبلا هم گفته ام، از اینکه آخوند حکومت میکند و میکشد و سنگسار میکند، بدش کهیر نمیزند. ایشان همواره مدافع اسلام بوده

خانم عبادی! شما یک جنبش بودید، از خمینی تا رفسنجانی و خاتمی تا عبادی و بنی صدر و قطب زاده و نوشین احمدی خراسانی، همه متعلق به جنبش ملی اسلامی بودید. و این اوضاع در ایران در عین حال کمی هم دستپخت شما است!

اولین بار شیرین عبادی را در کنفرانس مدوسا در استکهلم ملاقات کردم. در آنجا سخنرانی من در نقد جنبش ملی - اسلامی و شعارها و نقش فعالین آن در جنبش زنان بود. من نوشین احمدی خراسانی را نقد کردم که نوشته بود، سنگ بزرگ علامت نزدن است. و او علیه شعار سرنگونی حکومت اسلامی بدلیل ضد زن بودن و ضد انسان بودن آن که شعار ما چپها از روز اول به قدرت رسیدن اینها بود، حرف زده و گفته بود، کوچک زیباست و ما باید مشغول اصلاح این حکومت باشیم. خبرنگار رادیو اسرائیل در گزارشی که از محل کنفرانس فرستاده بود گفته بود در این کنفرانس بین شیرین عبادی و مینا احدی جدلی در گرفت بر سر اینکه آیا باید به

برگردیم و هم نسلان من در دوره انقلاب یادشان باشد، خمینی آخوند کپک زده ای بود در نجف که برای سرکوب یک انقلاب عظیم اجتماعی علیه حکومت دیکتاتوری که گورستان آریامهری را بر نسل جوان آن دوره و مردم تحمیل کرده بود، او را آوردند و به کمک امریکا و دولتهای غربی و بر شانه جنبش ملی اسلامی و بخشی از چپ که در همین جنبش لنگر انداخته بود، با آرمانهایی همچون ضدیت با امپریالیسم و بیگانه ستیزی، و تکیه به فرهنگ و اقتصاد "خودمان" و دفاع از ارتجاع و عقب ماندگی رهبرش نامیدند و انقلاب ما را سرکوب کردند.

من مدعی هستم در مقابل خانم عبادی و از همان روز اول ما در مقابل هم بودیم. ما نسل جوان، ما چپهایی که تا همین امروز نیز در ایران و در دنیا برای زندگی انسانی و علیه هر نوع حکومت دیکتاتور و فاشیستی چه از نوع آریامهری و چه اسلامی مبارزه میکنیم، شما را می شناسیم. نه فقط در آن دوره که از خمینی دفاع کردید، نه فقط در دوره ای که کرور کرور از ما مخالفین را کشتند، در دهه شصت و سال ۶۷، و بعد از آن. من مدعی هستم. ما جنگیدیم و تا امروز اسلحه را از دشمنان زمین نگذاشته ایم و از این پس نیز چنین خواهیم کرد. تا مردم ایران به آزادی و رفاه و زندگی شایسته انسانی برسند. یک امر بدیهی است شما به جنبش دیگر و به طبقه دیگری تعلق دارید. اعدام ریحانه ها و شهلا

جاهدها اذیتتان نمیکرد. و سنگسار مریم ایوبی در دوره خاتمی عزیز شما که به او رای داده بودید نیز عذاب وجدان نمی آفرید. اکنون ابراز ندامت میکنید، از اینکه گول خوردید و از خمینی دفاع کردید. نه. شما گول نخوردید، شما پاره تن جنبش ملی اسلامی بودید و تا همین امروز از منافع دیگری دفاع کرده اید. اینرا دیگر نمیتوانید به اسم فریب خوردن به افکار عمومی بفروشید. امروز ابراز ندامت میکنید نه در مقابل مردم ایران و زنان سنگسار شده و میلیونها نفر به گروگان گرفته شده در ایران. ابراز ندامت شما در مقابل مردم و قربانیان این حکومت نیست، شما در محضر سلطنت طلبان ابراز ندامت میکنید که این روزها شاه الهی ها فریاد نفرت علیه انقلابیون آزمان و علیه طبقه کارگری که شیر نفت را بست و حکومت را انداخت، سر داده اند و شما این بار فضا را مناسب دانسته و به طرف آنها رهسپارید. اما یک نکته باید برای شما مسجل باشد همان مردمی که علیه حکومت پهلوی انقلاب کردند، و نسل بعدی، با خواسته های رفاه و آزادی و زندگی انسانی، ۴۱ سال علیه حکومتی مبارزه کرده و بالا تا پایین این حکومت و همراهان آن را دیدند که دیگر اولاً میدانند چه میخواهند و ثانیاً تجارب و سازمان لازم را دارند که این بار خود انقلاب کنند و خود قدرت را در دست بگیرند. اینرا به شما اطمینان میدهم. *

**تمام آمرین و عاملین
جنایات جمهوری اسلامی
در چند دهه گذشته
باید دستگیر و علنا
محاكمه شوند!**

هشت مارس، روز جهانی زن در ایران: حکومت ضد زن نابود باید گردد!

جنبش‌رهایی زن در ایران از همان روز اول، در تظاهرات روز زن در اسفند ۵۷، قاطع و استوار در برابر حجاب و جمهوری اسلامی ایستاد و هم‌اکنون نیز زنان در خط مقدم نبرد جامعه ایران برای رهایی از شر حکومت قاتلان اسلامی می‌جنگند.

روز جهانی زن امسال در ایران بی‌شک فرصتی برای برپایی اجتماعات، ابراز همبستگی و نمایش قدرت جنبش‌رهایی زن، اعتراض علیه حجاب و آپارتاید جنسی و اعلام کیفر خواست علیه حکومت زن ستیز جمهوری اسلامی به جرم کشتارهای دی و آبان ماه، و به جرم قتل عام دهه شصت و به جرم چهار سال جنایت علیه همه مردم ایران است. در روز جهانی زن پیرویه باید پرونده جنایت حکومت علیه زنان را گشود. باید پرونده زن ستیزی، از نصب حجاب با پیوتز به سر زنان تا تجاوز به دختران در زندانها و از تحمیل آپارتاید جنسی در خیابان و دانشگاه و ورزشگاه تا شلاق و سنگسار و اسید پاشی به روی زنان را در برابر چشم همگان قرار داد و خواستار محاکمه جانین حاکم شد. حکومت ضد زن نابود باید گردد!

حضور پر رنگ و پیشتاز زنان در تمامی عرصه‌های اعتراض اجتماعی برای پس زدن نکتت جمهوری اسلامی و دست یابی به آزادی و برابری و رفاه و حرمت انسانی، یک ویژگی برجسته جامعه ایران است. نه فقط در جنبش وسیع علیه حجاب و آپارتاید جنسی و زن ستیزی جمهوری اسلامی بلکه از مبارزات کارگران و معلمان و بازنشستگان و دانشجویان گرفته تا جنبش دادخواهی از جنایات و نسل کشی های جمهوری اسلامی، از مبارزه برای نجات محیط زیست و حقوق کودک گرفته تا مبارزه علیه اعدام و سنگسار و قوانین ارتجاعی اسلامی و تا مقابله با فرهنگ منحط و عقب مانده اسلامی، در علم و هنر و ورزش در همه جا زنان در پیشاپیش صف اعتراض و تلاش جامعه قرار دارند. در تظاهرات های آبانماه که با شعار "نابودی جمهوری اسلامی" سراسر ایران را فرا گرفت و در اعتراضات رادیکال و آتشین دی ماه علیه جنایت آشکار جمهوری اسلامی در شلیک به هوپیمایم و براه انداختن حمام خون در آبانماه، زنان بارزتر از همیشه در صف اول تظاهرات و مواجهه با حکومت قاتل اسلامی قرار داشتند. نقش زنان در این تظاهرات ها و در دادخواهی از کشتارهای جمهوری اسلامی بیش از پیش این ارزیابی را به ثبوت رساند که "انقلاب آبی ایران رنگی زنانه خواهد داشت".

هشت مارس روز جهانی زن، برابر با ۱۷ اسفند، فرصتی برای به پیش راندن این "انقلاب زنانه" و قدرت بخشیدن به دادخواهی جامعه ایران در برابر حکومت اسلامی فاشیستی و ضد زن است که برای بقاء خود به هر جنایتی متوسل میشود. در هشت مارس امسال باید به حجاب و اسید پاشی و آپارتاید جنسی و انواع تبعیض ها و محرومیت های اسلامی که علیه زنان ایران اعمال شده اعتراض کرد. باید نشان داد جنایات جمهوری اسلامی علیه زنان جزو جدایی ناپذیر از

ماهیت حکومتی است که با زندان و اعدام و شلیک به سر تظاهرکنندگان و شلیک موشک به هوپیمای مسافری برای بقاء ننگین خود دست و پا میزند. باید خواستار محاکمه سران جمهوری اسلامی بخاطر جنایت آبان و دی امسال و چهل سال جنایات این رژیم شد. باید یاد ندا آقاسلطان ها و سحر خدایاری ها و کلیه جانبختگان چهل سال اخیر و یاد کشته شده های آبان و هوپیمای اوکراینی را گرامی داشت. باید یکصدا فریاد زد جمهوری اسلامی جنایتکار ضد زن نابود باید گردد! حزب کمونیست کارگری چون همیشه بازو در بازوی همه فعالین جنبش‌رهایی زن در برپایی هرچه وسیعتر روز جهانی زن میکوشد.

زنده باد هشت مارس روز جهانی زن!

نابود باد جمهوری اسلامی ضد زن!

زنده باد آزادی، برابری، حکومت انسانی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۹ بهمن ۱۳۹۸، ۱۸ فوریه ۲۰۲۰

دانشجویان امیر کبیر با فریاد اعتراض یاد قربانیان حکومت را گرامی داشتند

امروز ۲۷ بهمن دانشجویان دانشگاه امیرکبیر تهران دست به تجمع زدند و علیه جمهوری اسلامی و سیاست های جنایتکارانه آن شعار دادند.

تجمع امروز در گرامیداشت جانبختگان هوپیمای اوکراینی بود که با شلیک عامدانه موشک به آن توسط جمهوری اسلامی، ۱۷۶ انسان بیگناه جانبختند. دانشجویان با شعار غلط کردی خطا کردی، خطای انسانی تویی شلیک پنهانی تویی، به جنایت قاتلان حاکم بر کشور اعتراض کردند.

دانشجویان شعار میدادند: حکومت نظامی نمیخوایم نمیخوایم، هزار و پونصد نفر کشته آبان ماست، از ایران تا بغداد فقر و ستم استبداد، بهاره هدایت آزاد باید گردد، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، مادر چه داغدار است اینجا همه نيزار است، امنیت پوشالی جمهوری توخالی، نه پادگان نه بنگاه درود بر دانشگاه، آبان ادامه دارد. دانشجویان همچنین با شعار "از ایران تا بغداد فقر و ستم استبداد"، همبستگی خود را با انقلاب آزادیخواهانه مردم عراق اعلام کردند. دانشجویان پلاکاردهایی درمورد آزادی تعدادی از زندانیان سیاسی نیز در دست داشتند. بیانیه این تجمع نیز که توسط یکی از دانشجویان قرائت شد کیفرخواستی علیه جنایات جمهوری اسلامی بود.

در دانشگاه علامه نیز دانشجویان با شعار صدا و سیما ما ننگ ما ننگ ما ننگ ما مزدوران صدا و سیما را که برای مصاحبه حول انتخابات حکومتی به آنجا رفته بودند فراری دادند.

در گرامیداشت یاد جانبختگان هوپیمای اوکراینی فراخوان دیگری نیز برای روز دوشنبه ۲۸ بهمن داده شده است. در این فراخوان آمده است که در چهلمین شام از صفحه ۱۰

رای مردم سرنگونی حکومت است!

حکومت جنایت و چپاول و فقر و بیکاری و ارتجاع و عقب ماندگی باید از صحنه جامعه جارو شود. رای مردم سرنگونی این حکومت است. حاکمین خود به زبانهای مختلف اعتراف میکنند که مردم توهمی نسبت به انتخابات کذائیشان ندارند. هرروز از نظر سنجی ها و تریبونها و تجمعات تبلیغاتی صدای انزجار از حکومت به گوش میرسد. هرچه بیشتر اینها برای نمایش انتخاباتی شان تبلیغ میکنند، صدای اعتراض و انزجار و سرنگونی بیشتر بگوش میرسد. دانشجویان شعار میدهند نه شرکت، نه تحریم حضور در خیابان و با شعار دادن خبرنگاران "صدا و سیما" رسوای حکومتی را از دانشگاه بیرون میرانند. تشکلهای کارگری اعلام میکنند که رای مردم محاکمه و مجازات دزدان و اختلاسگران و ستمگران است. بازنشستگان بیانیه میدهند و میگویند رای ما یک "ته" بزرگ به حاکمین، و رای به رفاه و برابری و آزادی است. در شهرها و مناطق مختلف مردم پوسترهایی انتخاباتی شان را پاره میکنند و آتش میزنند. مرتجعینی که بعنوان کاندیدا جرات میکنند در میان مردم ظاهر شوند با تعرض جوانان روبرو میشوند. زندانیان سیاسی از درون زندانها و شکنجه گاهها بیانیه میدهند و اعلام میکنند که "این نظام و انتخابات‌هایش تنها بر خون میلیون‌ها جوان بی‌گناه استوار گشته است. و اضافه میکنند که "هرکسی که پای صندوق‌های رای می‌رود اثر انگشتش بر روی ماشه اسلحه‌ای که به سمت جوانان انقلابی شلیک می‌شود ثبت خواهد شد و نشان تاییدی بر نظام حاکم و جنایاتش می‌باشد". خانواده های قربانیان جنایات حکومت با صدای بلند علیه حکومتیان و تبلیغات انتخاباتی شان شعار میدهند و فریاد میزنند و مردم را به اعتراض به مضحکه انتخاباتی حکومت فرا میخوانند.

اینها همه صدای جنبش قدرتمند سرنگونی است که از تمام گوشه و زوایای جامعه و از جانب بخشهای مختلف مردم به گوش میرسد. میتوان و باید نمایش انتخاباتی را به شکستی مرگ بار برای حاکمین جنایتکار تبدیل کرد و سرنگونی شان را نزدیک تر نمود. پوسترهایشان را باید همه جا پاره کرد و به آتش کشید، کاندیداهایشان را بیش از پیش رسوا نمود و بساط تبلیغاتی شان را بر سرشان خراب کرد. روز انتخابات نمایشی حکومت را باید به هر شکل ممکن به روز اعتراض و تجمعات و فریاد سرنگونی و آزادیخواهی علیه حکومت تبدیل کنیم.

نابود باد حکومت اسلامی!

زنده باد آزادی برابری حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۹ بهمن ۱۳۹۸، ۱۸ فوریه ۲۰۲۰

از صفحه ۸ اطلاعیه های حزب

حادثه دردناک سقوط هواپیمای اوکراینی، برای تسلائی دل خانواده های داغدار در ساعت ۸ شب در کوچه ها و خیابان های سراسر کشور شمعی برافروزم.

اعتراض امروز دانشجویان تداوم خیزش مردم در آبان و دی امسال است و در آستانه انتخابات حکومتی فضای سیاسی کشور را نشان میدهد. خواست محاکمه سران حکومت به جرم جنایت علیه بشریت یک خواست سراسری است. حکومت جنایت و چپاول اسلامی باید از جامعه جaro شود.

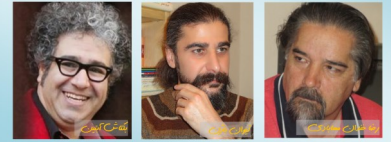
گرامی باد یاد عزیز ۱۵۰۰ جانباخته آبان و ۱۷۶ مسافر هواپیما

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۷ بهمن ۱۳۹۸، ۱۶ فوریه ۲۰۲۰

احکام زندان برای اعضای کانون نویسندگان را محکوم میکنیم

اعضای بازداشتی کانون نویسندگان باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند



زنده باد کاردک بی قید و شرط بیان و عقیده
و اعتصاب و تنگل و تجزیه

کانون نویسندگان ایران طی بیانیه ای اعلام کرده است که پرونده سه تن از اعضای این کانون توسط وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی به دایره اجرای احکام فرستاده شده است. رضا خندان (مهبادی)، بکتاش آبتین، و کیوان باژن در دادگاه بدوی حکومت هرکدام به شش سال زندان محکوم شدند و بعداً در دادگاه تجدید نظر محکومیت کیوان باژن به سه سال و نیم تخفیف یافت و محکومیت رضا خندان و بکتاش آبتین تأیید گردید.

بنا به اطلاعیه کانون نویسندگان "مشارکت در تدوین کتاب تاریخچهی کانون (نویسندگان)، انتشار نشریه داخلی کانون و حضور در مراسم بزرگداشت احمد شاملو و جعفر پوینده و محمد مختاری از "مصادیق" و "مستندات" پرونده این سه نویسنده است. سه نویسنده ای که «جرم» واقعی شان "سانسورستیزی و دفاع از آزادی بیان بی هیچ حصر و استثناست".

جمهوری اسلامی از ابتدای سرکار آمدنش از آزادی بیان شدیداً وحشت داشته و با دستگیری و شکنجه و زندان و اعدام تلاش کرده است صدای روشنگری و انسانیت و آزادیخواهی را خاموش کند. کانون نویسندگان یکی از سنگرهای دفاع از آزادی بیان و برابری طلبی است و به همین دلیل همیشه مورد تعرض حکومت چپاولگران و جنایتکاران حاکم قرار داشته

است. این نفرت انگیز است که شرکت در مراسم گرامیداشت جعفر پوینده و محمد مختاری نویسندگانی که به نحو فجیعی قربانی قتل‌های زنجیره ای حاکمین شدند، از مصادیق جرم اعضای کانون ذکر شده است.

مردم ایران علیه کل حکومت اسلامی قاطعانه ایستاده اند. بخشهای مختلف مردم طی سالها مبارزه و اعتراض و تجمع و اعتصاب و روشنگری، پوزه این حکومت منفور را بجا مالیده اند و اجازه نداده اند که با سرکوب و بگیر و ببند خفقان و سکون را بر جامعه حاکم کند. امروز صدای جامعه صدای جنبش سرنگونی طلبی و انقلاب و آزادیخواهی است. امروز صدای جنبش قدرتمند دادخواهی، حاکمین را به وحشت مرگ انداخته است. دانشگاه و کارخانه و خیابان و محله امروز همان خواستهایی را فریاد میزند که نویسندگان پیشرو با قلم خود از آن دفاع میکنند.

حزب کمونیست کارگری احکام سنگین زندان برای اعضای کانون نویسندگان را شدیداً محکوم میکند و همه بخشهای مردم را فرا میخواند که به شیوه های مختلف به این احکام اعتراض کنند. باید قاطعانه از آزادی فعالیت کانون نویسندگان و آزادی بیان و اعتراض و آزادی مطبوعات و انتشار دفاع کرد و احکام زندان برای اعضای کانون را شدیداً محکوم نمود. از بخش های مختلف مردم از تشکل های کارگری، از دانشجویان و نویسندگان و هنرمندان معترض انتظار می رود فعلاً علیه این احکام دست به اعتراض بزنند و نگذارند جمهوری اسلامی علیه نویسندگان معترض پرونده سازی کند و آنها را به زندان بکشاند.

نابود باد حکومت اسلامی

زنده باد آزادی، برابری حکومت کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۸ بهمن ۱۳۹۸، ۱۷ فوریه ۲۰۲۰

اطلاعیه های خبری حزب

چند اعتراض کارگری

- روز یکشنبه ۲۷ بهمن جمعی از کارگران خط سه متروی تهران در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی ۱۸ ماهه خود، در مقابل ساختمان شورای اسلامی شهر تهران دست به تجمع زدند. شمار این کارگران ۶۰ نفر است که در دو کارگاه اقدسیه و نوینباد کار میکنند.

پرسنل خط ابنیه لرستان در ۲۷ بهمن بخاطر عدم پرداخت حقوق هایشان که دو ماه و نیم تأخیر شده و عدم پرداخت حق بیمه خود دست به تجمع زدند. نپرداختن حق بیمه کارگران باعث به مانع خوردن تمدید دفترچه های بیمه درمانی کارگران شده است. ندادن لباس کار نیز یک موضوع اعتراضات این کارگران است. کارگران اعلام کرده اند که تا وقتی خواستههایشان عملی نشود به اعتصاب خود ادامه میدهند. این کارگران در تحصن خود خواستار استعفای دسته جمعی مدیران ستادی راه

اهن و شرکت تراورس به علت وعده های دروغین و عدم پاسخگویی به خواسته های کارگران شده اند.

- امروز ۲۷ بهمن محمد تقی فلاحی دبیر کل کانون صنفی معلمان تهران در میان استقبال همکاران خود با قید وثیقه ۵۰۰ میلیونی آزاد شد. محمد فلاحی در ۱۹ بهمن بازداشت و به بند امنیتی موسوم به يك الف منتقل شد و تحت بازجویی قرار گرفت. پرونده امنیتی تشکیل شده برای او و تمامی فعالین سیاسی باید فوراً بسته شود. محمد حبیبی، اسماعیل عابدی و محمود بهشتی همچنان در بازداشت بسر میبرند. يك کارزار مهم معلمان کارزار برای آزادی همکاران زندانی خود و تمامی زندانیان سیاسی است.

- روز ۲۷ بهمن کارگران شرکت چوکا واقع در کیلومتر ۶ جاده رضوانشهر به تالش (استان گیلان) در اعتراض به پرداخت نشدن حقوقهایشان دست به تجمع زدند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۷ بهمن ۹۸، ۱۶ فوریه ۲۰۲۰

کارگران پتروشیمی لردگان در تدارک اعتراضات وسیع و چند خبر اعتراضی دیگر

- طبق گزارش های رسیده امروز ۲۷ بهمن ماه، برخی از کارگران و نیروهای پیمانکار مجتمع پتروشیمی لردگان و شرکت های HSE صبح شنبه ۱۹ بهمن ماه مقابل ساختمان مرکزی هلدینگ خلیج در خیابان کریم خان در تهران اجتماع کرده و خواهان پرداخت مطالبات چندین ماه خود شدند. این کارگران همچنین به بیکارسازیهایی وسیع اعتراض دارند. فرماندار لردگان گفته است که از مجموع ۲۱۶۰ کارگر این مجتمع ۱۶۰ نفر اخراج شده اند. در این روز ربیعی مدیرعامل این مجموعه، حاضر به پذیرفتن نماینده این کارگران نشد. از سوی دیگر رستم زاده مدیر روابط عمومی این مجموعه با صدور بیانیه ای اعتراض کارگران را امری طبیعی دانست و گفت این اعتراضات در پایان همه پروژه ها به دلیل اخراج کارگران اتفاق می افتد!

بنا بر آخرین خبرها در ادامه این حرکت اعتراضی یکی از مسئولین نیروی انسانی هلدینگ با حضور در میان جمع معترضین قول مرتفع کردن مشکلات کارگران را تا پیش از ۲۲ بهمن را داده از معترضین خواسته بود که به این تجمع پایان دهند. اما بعد از سر رسید این تاریخ هنوز پولی به کارگران پرداخت نشده و تغییری در وضعیت کارگران داده نشده است. به همین دلیل کارگران در حال برنامه ریزی برای اعتراضات بزرگتری هستند.

- روز ۲۶ بهمن کارگران اخراجی شرکت پخش فراورده های نفتی ماهشهر با خواست بازگشت به کار و در اعتراض به جایگزینی نیروهای سفارشی به جای خود، دست به تجمع اعتراضی زدند.

ادامه صفحه ۵

خروج دو غول دیگر از ایران!

میلااد رابعی



روز جمعه، ۲۵ بهمن، علیرضا موسوی مجد، رئیس هیئت مدیره انجمن لوازم صوتی و تصویری ایران، از پایان کار شرکت‌های کره‌ای "ال‌جی" و "سامسونگ" در بازار لوازم خانگی و تلفن همراه ایران خبر داد. همچنین عباس عراقچی معاون وزیر خارجه گفت این شرکت‌ها در آینده اقتصاد ایران اولویت ندارند. اما گذشته از اظهارات مقامات جمهوری اسلامی، حقیقت مثل همیشه، چیز دیگری است. در ظاهر امر و برای کسی که برای مثال در حوزه علمیه قم نشسته و از تحولات جهان تکنولوژی بی‌خبر است، شاید خروج دو برند تولیدکننده لوازم خانگی و الکترونیکی چندان هم اتفاق مهمی نباشد. اما هر کس که در دنیای امروز زندگی می‌کند و با مسائل آن آشنا است می‌داند که سامسونگ و ال‌جی فقط دو برند معمولی نیستند. در سال‌های اخیر تکنولوژی بسیار مهم و ضروری موبایل مشخصاً در انحصار دو شرکت سامسونگ و اپل قرار گرفته است. در مورد محصولات اپل پیش از این امکان ورود و حتی استفاده از آن در شبکه داخلی ایران ممنوع شده است. و حالا با خروج سامسونگ عملاً ایران از حوزه صدور مهم‌ترین شرکت‌های تولیدکننده تلفن همراه در جهان خارج شده است. در مورد اهمیت تلفن‌های همراه هوشمند نیازی به توضیح نمی‌بینم و خواننده، خود بهتر به اهمیت و نقش آن در زندگی روزمره واقف است. محصول دیگری که به شدت در انحصار این دو شرکت قرار دارد، صنعت ساخت تلویزیون‌های هوشمند و مدرن است که این روزها در هر

خانه‌ای در سراسر جهان وجود دارد. بگذریم از صدها و هزاران محصول مهم و حیاتی دیگری که به‌خصوص سامسونگ در تولید آن‌ها در جهان پیش‌تاز است. اگر بخواهیم این مسئله را با اتکا به تئوری‌های اقتصاد بورژوازی هم توضیح دهیم، کافی است به اولین و ساده‌ترین مبحث آن یعنی عرضه و تقاضا اشاره کنیم. به زبان خیلی ساده تقاضا در بازار ایران برای محصولات این دو برند به دلایلی که اشاره شد به اندازه بسیار زیادی بالا است. حالا که عرضه و حتی پشتیبانی از محصولات موجود به صفر رسیده است چه اتفاقی خواهد افتاد؟ با اینکه به گفته موسوی مجد، چند شرکت ایرانی با استفاده از "زیرساخت‌هایی" که قبلاً از کره جنوبی وارد شده‌اند، از سال آینده قصد تولید لوازمی چون تلویزیون، نمایشگر، ماشین لباس‌شویی و یخچال را دارند تا بتوانند خلاء بازار را پر کنند، اما همه ما به خوبی می‌دانیم که چنین زیرساخت‌های پیچیده و گران‌قیمتی در ایران وجود خارجی ندارند و تکنولوژی عقب‌مانده ایران هرگز قادر به تولید محصولات مشابه اپل و سامسونگ نیست. محصولات تلویزیون‌های هوشمند و تلویزیون‌های هوشمند دارای چنان تکنولوژی پیش‌رفته و پیچیده‌ای هستند که تنها چند کشور و شرکت عظیم در جهان توان تولید آن‌ها را دارند. بنابراین حتی فکر کردن به چنین احتمالی تنها مایه خنده و شوخی است. تنها راهی که در چنین شرایطی باقی می‌ماند همان راه قدیمی و آشنای قاچاق است.

قاچاقی که حتی در زمان فعالیت این شرکت‌ها در ایران، در مرزها چنان گسترده بود که بار آورده در همین روزهای اخیر باز هم شاهد کشته شدن چند کولبر دیگر بودیم. اتفاقی که با شرایط پیش‌آمده می‌تواند رو به تشدید برود و عده بسیار بیشتری از مردم مناطق مرزی را وادار به معامله با جان خود بکند و از طرف دیگر قاچاقچیان حرفه‌ای و حکومتی نیز مثل همیشه مشغول قاچاق گسترده این محصولات بشوند. در نتیجه چنین اتفاقاتی، قیمت این محصولات به شکل چنان سرسام‌آوری بالا خواهد رفت که بسیاری از مردم قدرت خرید آن‌ها را نخواهند داشت. البته در مورد محصولات مدرن یک نکته کوچک وجود دارد که شاید حتی تلاش برای قاچاق را هم ناکام بگذارد و آن، آنلاین بودن تمام این محصولات است. برای مثال در مورد تلفن‌های همراه وقتی که با اپراتورهای ایران کار نکنند و با آی‌پی ایران به اینترنت متصل نشوند، تبدیل به شیئی بی‌مصرف می‌شوند و قاچاق هم مشکلی را حل نخواهد کرد. در مورد تلویزیون‌های هوشمند نیز عین همین مورد صادق است.

با توجه به مجموع شرایط به نظر می‌رسد خروج این دو شرکت عظیم، ضربه بزرگی به بازار ایران، مصرف‌کنندگان و حتی خود حکومت وارد کند. اتفاقی که یقیناً به‌زودی در مورد غول‌های ژاپنی هم خواهد افتاد. باعث و بانی تمام این مشکلات، نفس وجود جمهوری اسلامی و سیاست‌های آن است. اگر در گذشته برای دست یابی

جنایتکار سرگردان!

محسن ابراهیمی

فاصله گرفتن مشکل را حل کند! اما شیادان حاکم اسلامی چطور؟ حسن روحانی، این امنیتی کهنه کار اسلامی، مثل همه سران حکومت اسلامی بوی گند حکومتشان را مدت‌هاست که استشمام کرده است و اما برخلاف رویه نه راه پس دارند و نه راه پیش! راه پس؟ تن دادن به انتخابات آزاد؟ ۹۶ و ۹۸ نشان داد انتخاب مردم چیست: سرنوشتی و محاکمه سران حکومت اسلامی! راه پیش؟ سرکوب و جنایت؟ و این یعنی بازگشت ۹۸ در مقیاسی وسیع‌تر. یعنی انقلاب! جمهوری اسلامی با ولی فقیه و رئیس‌جمهورش در باتلاقی از فساد و جنایت و گند و کثافتی که ایجاد کرده اند دست و پا می‌زنند. چه با همدیگر بازی انتخابات راه بیان‌زدند، چه خرخره همدیگر را بچوند، چه هر دو باهم جنایت کنند، نیاز به انقلاب، عزم انقلاب هر روز بیشتر می‌شود. انقلابی که هیولای خونین جمهوری اسلامی را برای همیشه مدفون خواهد کرد! *

حسن روحانی در ۴۱ امین سالگرد شکست انقلاب ۵۷ گفت: گر رژیم فاسد گذشته به مردم اجازه انتخاب می‌داد، نیازی به انقلاب نبود! مخاطب این افاضات چه کسانی هستند؟ جناح دیگر و ولی فقیه؟ بله. حتماً. اما منظور انتخابات نیست. منظور به بازی گرفته شدن جناح خودش توسط ولی فقیه و شورای نگهبان است. منظور این است که اگر این جناح به بازی گرفته شود شاید بتوان انقلاب را کمی عقب انداخت! اما مخاطب دیگر این افاضات حقه بازانه مردم هستند. این یک تلاش مستاصل دیگر است که شاید بشود مردم را بار دیگر با مضحکه انتخابات مشغول کرد، به عزم انقلابی مردم خدشه انداخت و برای حکومت اسلامی، هر چند موقت، وقت خرید! یک ضرب المثل انگلیسی می‌گوید: "روباہ بوی گندش را زودتر از دیگران استشمام می‌کند!" این ضرب المثل نمی‌گوید بعداً چه؟ بعداً رویاہ چه کار می‌کند؟ شاید رویاہ بتواند با کمی

به آزادی و برابری و رفاه و یا لغو حجاب اجباری باید جمهوری اسلامی از سر راه کنار می‌رفت، امروزه کار به جایی رسیده که حتی برای استفاده

عادی از وسایل اولیه‌ای چون موبایل و تلویزیون و یخچال، باید علیه جمهوری اسلامی به‌پا خاست. مضحک است اما کاملاً حقیقت دارد. *

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید
ماهواره یاه ست
فرکانس : 11766
پولاریزاسیون : عمودی
سیمبل ریت : 27500
اف ای سی : 5/6



سیاسی و دستگیر شدگان آبان ماه باشد، وظیفه همه ما است بهر طریق ممکن به این احکام اعتراض کنیم.

حکومت اسلامی ایران فقط با ریختن خون مردم زنده است و باید با اعتراضات گسترده مانع این جنایت حکومت اسلامی بشویم.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۲۲ فوریه ۲۰۲۰

ما انتظار داریم که فوراً به این احکام وحشیانه اعتراض کنید و در این مورد هیچ عذر و بهانه ای نیاورید.

مردم آزاده دنیا، ایرانیان آزاده!

حکم اعدام علیه جوانان معترض يك حکم بشدت وحشیانه و ضد انسانی است که اگر اعتراض نکنیم میتواند شروع روند کشتار زندانیان

نامه کمیته بین المللی علیه اعدام به افکار عمومی بین المللی، به اتحادیه اروپا و نهادهای مخالف اعدام

ما را مجبور کردند، هر چه میگویند را بنویسیم و امضا کنیم.

اسامی سه نفر محکوم به اعدام در اهواز را حکومت هنوز اعلام نکرده است.

آری این حکومت اسلامی ایران است و باید همه ما در دنیا همه سازمانهایی که علیه اعدام هستند و همه مدافعین حقوق انسانی بر علیه این زمینه سازی برای جنایت بیشتر از طرف حکومت اسلامی اعتراض کنیم.

خطاب ما به اتحادیه اروپا اینست که شما که زیر بغل این حکومت را گرفته و تا امروز از بقا و دوام این سیستم وحشتناک دفاع میکنید، ببینید که چگونه در مقابل مردمی که به بالا رفتن قیمت بنزین اعتراض کرده و در خیابان شعار سرنگونی این حکومت را داده اند، با گلوله و جنایت پاسخ میدهند و اتحادیه اروپا کماکان از نجات برجام و نجات حکومت اسلامی حرف میزند.

سعید تمجیدی و محمد رجبی را به اتهام "مشارکت در تخریب و تحریق به قصد مقابله با نظام" به اعدام، ۳۸ سال زندان و ۲۲ ضربه شلاق محکوم کرده است.

این سه در زندان تهران بزرگ محبوس هستند و یکی از وکلای پرونده گفته مرجع صدور احکام، شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی، یکی از جلدان شناخته شده در ایران است

امیرحسین مرادی، متولد ۱۳۷۳ دارای مدرک دیپلم کامپیوتر و تا پیش از بازداشت در تهران فروشنده موبایل، کامپیوتر و نرم افزار؛ سعید تمجیدی، متولد ۱ خرداد ۱۳۷۱، دانشجوی رشته مهندسی برق در مقطع کارشناسی و محمد رجبی، متولد ۲۱ مرداد ۱۳۷۳ دارای تحصیلات دیپلم هستند.

هر سه نفر در ملاقات با خانواده هایشان از شکنجه های وحشیانه و اقرار زیر شکنجه حرف زده اند و گفته اند، آنها

جمهوری جنایت اسلامی، قصد اعدام کردن تعدادی از دستگیرشدگان اعتراضات خیابانی در آبان ماه را دارد.

این نامه خطاب به جامعه بین المللی، خطاب به رسانه ها و افکار عمومی و خطاب به اتحادیه اروپا است، حکومت اسلامی ایران که در جریان اعتراضات آبان ماه هزاران نفر را کشت، و هزاران نفر دیگر را دستگیر کرد، اخیراً با اعلام حکم اعدام سه نفر در تهران و يك روز بعد از نمایش خیابانی برای قاسم سلیمانی، از زبان سخنگوی قوه قضاییه اش با اعلام حکم اعدام علیه سه نفر در اهواز، قصد اعدام کردن جوانان معترض زندانی و ترساندن بقیه را دارد.

این بیانگر آغاز جنایت بر علیه دستگیر شدگان و اسرابی است که حکومت آنها را ماهها است در زندان نگهداری میکند و حتی به خانواده ها نمیگوید آنها کجا هستند. دادگاه انقلاب تهران، امیرحسین مرادی،

ادامه از صفحه ۱ نمایش انتخاباتی حکومت

انتخابات مجلس یازدهم شکستی مهم برای حکومت و در راس آنها خامنه ای بود. مردم حکم خود را داده بودند.

از صفحه ۸ اطلاعیی های حزب

- روز ۲۶ بهمن پرسنل عوارضی قزوین- زنجان در اعتراض به وضعیت نابسامان کاری و دیرکرد پرداخت دستمزدهایشان برای چندمین بار مقابل اداره کل راه و شهرسازی تجمع کردند.

- روز شنبه ۲۶ بهمن، کارگران اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده ای استان قزوین در ادامه اعتراضاتشان نسبت به

ای را که از چند روز قبل علیه حکومت شروع کرده بودند امروز به «نرم قابل قبولی» رساندند و سیلی محکمی به حکومت جنایتکار و فاسد اسلامی زدند. عدم شرکت دهها میلیون نفر در انتخابات

گفته بودند رای بی رای. گفته بودند رای به مشتکی دزد و فاسد نمیدهم و امروز حکمشان را عملی کردند. اعلام کردند که آبان ادامه دارد. آمار حکومت به «نرم قابل قبولی» (نرسید اما در مقابل، مردم تحرك بیسابقه

و اکنون از کار بیکار شده و در بلاتکلیفی شغلی بسر میبرند. - روز شنبه ۲۶ بهمن، کارگران راه آهن لرستان در اعتراض به ۱۰ روزهی آبی و سردانیدن مسئولین درایستگاه "کشور"، روستایی در شهرستان خرمآباد در استان لرستان دست به تجمع زدند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری حزب کمونیست کارگری ایران ۲۷ بهمن ۹۸، ۱۶ فوریه ۲۰۲۰

*

بلاتکلیفی شغلی و معیشتی پس از الکترونیکی کردن عوارضی آزادراه، راهی پایتخت شدند و دست به تجمع مقابل وزارت راه و شهرسازی زدند. به گفته کارگران از تاریخ دوم خرداد سال ۹۷ که شرکت ملی آزادراه منفک شد، کارگران عوارضیها تحت نظر وزارت راه و شهرسازی قرار گرفتند. این کارگران تا ۳۱ خرداد ماه ۹۸ ما تحت وزارت راه و شهرسازی و در سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای در باجه های عوارضی کار کرده اند

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی این شماره: سیامک امجدی

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته

روز جمعه منتشر میشود

www.anternasional.com